

حکمت عملی اسلامی

در مسأله حجاب

گزارشی از درس تفسیر فلسفه حجاب حجت‌الاسلام والمسلمین سیدیدالله یزدان‌پناه آملی

تهیه و تنظیم گزارش: سرکار خانم زینب تاجیک، دانشجوی دکتری رشته کلام امامیه

حجاب، یکی از مهم‌ترین واجبات شرعی در اسلام است که بعد از انقلاب شکوهمند جمهوری اسلامی، رنگ و بوی هویتی و نمادین نیز به خود گرفته است. به‌همین دلیل دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی، همواره توجه ویژه‌ای به حجاب داشته‌اند و ایجاد شبهات در باب پوشش اسلامی و کمزنگ کردن فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه اسلامی، همواره در دستور کار آن‌ها بوده است.

از جمله راهکارهای نهادینه کردن فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه اسلامی، پرداختن به فلسفه حجاب و تبیین ابعاد گوناگون فردی، اجتماعی و ... این حکم الهی است. مدافه در بسیاری از ابعاد حجاب، جز با بررسی‌های دقیق حکمی و فلسفی ممکن نخواهد بود. بعد از اتفاقات و اغتشاشات سال گذشته با محوریت زن-زندگی-آزادی، لزوم پرداختن به این مباحث، بیش از پیش واضح و مشخص شد.

از جمله اساتیدی که به این بحث مهم ورود داشتند، استاد یزدان‌پناه بود. او یکی از دروس تفسیری ماه مبارک رمضان ۱۴۴۴ خود را به بحث فلسفه حجاب اختصاص داد و با بیان مقدماتی، فلسفه و چرایی وجوب حجاب در اسلام را تبیین کرد که متن آن به شرح زیر است.

ندهد، در واقع جفا و ظلم به مقام انسان است. قانونی که انسان را به سمت شهوت می‌کشاند، در واقع او را از حرکت به سمت خدا دور کرده و گرفتار عالم خاکی می‌کند.

با توجه به مطالب استاد می‌توان گفت سه مسأله اصلی در تبیین قوانین و احکام اسلام، کمال انسان، مسأله ابد و مسأله بندگی است. چون خداوند، ایجادکننده، خالق و رب انسان است، تمام نیازهای انسان و قوانین ناظر به انسان را می‌داند و با در نظر گرفتن تمام ابعاد وجودی انسان، احکام را وضع کرده است. چون ما تکویناً بنده حق هستیم، باید تشریعاً هم، بندگی حق را کرده و از خداوند اطاعت کنیم.

مبحث مهم دیگر این نکته است که تشریع، ریشه در تکوین دارد و فیلسوفان مسلمان این مقدمه را مفصلاً بیان کرده‌اند. در فلسفه اسلامی، هست‌های تکوینی و نحوه وجود انسان ما را به اطاعت و بندگی خداوند می‌رساند. در مبانی فلسفی، حکمی و عرفانی، ما عین ربط و نیاز به خدا هستیم؛ پس باید بندگی خدا را بکنیم. همچنین ما فطرتاً تمایل و گرایش به خداوند داریم. هر قانونی که این شناخت و این گرایش را پوشش ندهد، جفا و ظلم به انسان است.

بعد از بیان توضیح مقدماتی که بیان شد، از جلسه ۱۶ استاد مستقیماً به تبیین چرایی و فلسفه حجاب پرداختند.

• **تبیین چرایی و فلسفه وجوب حجاب**

لزوم تشکیل و تحکیم خانواده، پاسخگویی به نیاز عاطفی پایدار، جلوگیری از شیء‌انگاری زن و حجاب به‌عنوان لبه تعارض تمدنی اسلامی و غرب، از فلسفه‌هایی بودند که استاد برای حجاب در جامعه اسلامی بیان کردند.

• **حجاب سنگر اول حفظ جامعه و خانواده**

یکی از قوی‌ترین امیال در انسان و شاید قوی‌ترین میل، میل به جنس مخالف است. با توجه به مباحثی که در ارتباط با تجرد عقلی و کمال انسان مطرح شد، نوع مواجهه انسان با این میل به چه صورت باید باشد؟ با توجه به اینکه گفته شد، امیال خاکی باید تحت سیطره عقل قرار بگیرد، قطعاً باید این میل حد بخورد و اگر این میل آزاد و رها و یله باشد، نتایج ناگواری برای فرد و اجتماع خواهد داشت. به‌همین دلیل اسلام فرمان به پوشش و حجاب داده است. اگرچه پوشش و حجاب یک امر ظاهری است؛ اما یک اصل کلی وجود دارد که کنش و رفتار ما در ظاهر اثری در باطن ما خواهد داشت و در باطن و جان ما نهادینه خواهد شد؛ به‌خصوص وقتی انسان در مقابل میل سرکش‌ایستادگی می‌کند. حجاب باعث می‌شود، نه خود زن تحریک شود و نه مرد تحریک شود. نفس این پوشش برای زن، مهار کردن میل سرکش است و باطن زن را غفت‌آمیز می‌کند. اگر در جامعه‌ای حجاب رعایت شود، خود این حجاب مرزی بین مرد و زن قرار می‌دهد و حضور اجتماعی زن در جامعه غفیانه خواهد شد. این مهار شهوت، مساوی کمال زن است و یک نوع پایداری در زن به وجود می‌آید که غفت‌زا است و زن و مرد و جامعه غقیف خواهد شد. در بعد اجتماعی در جامعه، فرهنگ زیست غفیانه نهادینه می‌شود و این کنش و رفتار زن، اثر اجتماعی خواهد داشت.

یکی از فلسفه‌های لزوم حجاب به زندگی اجتماعی انسان برمی‌گردد. با توجه به اینکه انسان، مدنی بالطبع است و با توجه به اینکه انسان نیازهای زیادی دارد و به‌تنهایی نمی‌تواند تمام نیازهای خود را برآورده کند، پس باید به زندگی اجتماعی روی آورد. هسته اصلی و اساسی اجتماع خانواده است. اگر کسی لزوم زندگی اجتماعی را پذیرفت، باید لوازم حفظ خانواده و اجتماع را نیز بپذیرد. هر چقدر در یک جامعه، شهوت افسارگسیخته بیشتر باشد، گسست خانواده نیز بیشتر خواهد بود. اگر پوشش مناسب در جامعه‌ای نباشد، تحکیم خانواده در آن جامعه زیرسؤال خواهد رفت. تجربه غرب هم، دقیقاً این را نشان می‌دهد.

یکی دیگر از نیازهای انسان به‌ویژه زنان، نیاز عاطفی پایدار است. اگر در جامعه‌ای این نیاز عاطفی پایدار در قالب خانواده پاسخ داده نشود، افراد آن جامعه به سمت افسردگی و بیماری‌های روانی خواهند رفت. ضرورت حفظ جامعه و خانواده با آزاد بودن پوشش سازگار نیست.

• **چگونه حجاب مانع شیء‌وارگی زن خواهد شد؟**

از مهم‌ترین فلسفه‌های حجاب مبارزه با شیء‌انگاری و شیء‌وارگی زن است. برخی‌ها، با انسان‌ها تعامل شیء-انگاری دارند؛ یعنی مثل یک ابزار یا او برخورد می‌کنند؛ انگار که خوب و بدی در ارتباط با او مطرح نیست. آزادی و یلگی پوشش، باعث آزادی و افسارگسیختگی شهوت می‌شود. نوع نگاه به زن به‌مثابه شیء خواهد شد. در این جامعه تنوع‌طلبی مرد پاسخ داده می‌شود؛ اما زن تبدیل به یک کالا و شیء خواهد شد. تجربه زیست بسیاری از زنان غربی، این مطلب را به‌وضوح نشان می‌دهد. در این جوامع چون زنان بعد از حدود ۴۰ سالگی طراوت و زیبایی و جذابیت جنسی خود را از دست می‌دهند، هیچ اعتبار اجتماعی هم نخواهد داشت و دچار بیماری‌های روحی روانی و افسردگی خواهند شد؛ چون در این منطق، زن مساوی تن و بدن و زیبایی‌های ظاهری است؛ اما پوشش اسلامی، برای زن حريم می‌گذارد و جلوی تمتع آزاد مرد را می‌گیرد و حضور اجتماعی زن را انسانی و کریمانه می‌کند. مرد می‌فهمد، زن حريم دارد و باید رعایت کند. حجاب می‌گوید: زن شیء نیست و کرامت دارد.

• **حجاب و خانواده برگ‌برنده تمدن اسلامی در مقابل تمدن غربی**

بحث مهم دیگر در ارتباط با فلسفه حجاب، لبه‌های تعارض تمدنی اسلامی و



حجاب در آیات قرآن

• **حجاب عامل حضور انسانی زن در جامعه**

استاد یزدان‌پناه در ۵ جلسه اول، به توضیح آیاتی از سوره مبارکه نور و احزاب پرداخته و وجوب حجاب را طبق آیات این دو سوره بیان کرد و حد و حدود پوشش اسلامی برای زن را کاملاً توضیح داد. البته استاد متذکر شد که قرار نیست، با نگاه و منظر فقهی به بحث حجاب نگاه کنند و بیان فلسفه حجاب با نگاه فلسفی، مدنظر است. با توجه به این آیات، سه دستور در باب روابط مرد و زن نامحرم قابل برداشت است: غض بصر برای مرد و زن، حفظ عورت، حجاب برای زن. خود آیات قرآن، دلیل وجوب این احکام را پاک‌ی دل و جان زن و مرد و به‌تبع آن جامعه بیان می‌کند. در واقع حجاب برای حضور انسانی زن در جامعه وضع شده است و به هیچ‌عنوان به‌معنای خانه‌نشینی زن نخواهد بود. اسلام می‌خواهد، حضور زن در اجتماع سالم و پاک باشد و زن با خصوصیات جنسی در جامعه حاضر نشود. در واقع از نظر استاد حجاب بیان‌گر بعد اجتماعی حضور زن در جامعه و تضمین‌کننده سلامت جنسی زن و مرد و جامعه خواهد بود. با توجه به اینکه در این آیات هر جایی که غریزه جنسی چندان مطرح و مهم نباشد، مانند طفل صغیر یا پیرزنی که امید به ازدواج نداشته باشد، از حکم حجاب استثنا شده است، می‌توان حجاب را وسیله‌ای برای سلامت جنسی جامعه معنا کرد. در واقع حجاب وسیله‌ای برای شناخته شدن زن به حیات و زیست غفیانه است.

دستورات بعدی که درباب حضور اجتماعی زن داده می‌شود، کاملاً بیان‌گراین حقیقت است که ذائقه شریعت به هیچ‌عنوان تبحر و خودنمایی را نمی‌پذیرد و آنچه از آیات قرآن فهمیده می‌شود، این نکته است که هرچه عفاف در زن بیشتر باشد، بهتر و پسندیده‌تر است.

از جلسه ۶ فلسفه حجاب استاد با ذکر مقدماتی فلسفی و عرفانی به تبیین فلسفه و چرایی حجاب پرداختند. از نظر استاد اگرچه این مقدمات در ظاهر مرتبط با حجاب نیستند؛ اما برای بحث فلسفه حجاب بسیار لازم و ضروری هستند. مقدمه حکمت عملی براساس حکمت قدسی، مبانی انسان‌شناسی و نفس‌شناسی و معاد و همچنین نسبت انسان و خدا یعنی انسان‌شناسی معطوف به هستی‌شناسی، از جمله مقدماتی که توسط استاد بررسی و بیان شد.

• **لزوم پرداختن به مباحث حکمت عملی قدسی در امتداد فلسفه اسلامی**
مقدمه اول تحت عنوان حکمت عملی قدسی است. طبق این مقدمه، هر آنچه که به‌وسیله خدا و اهل بیت علیهم‌السلام چه در حوزه نظر و چه در حوزه عمل بیان شده است، قطعاً مطابق با واقع و صادق است. در حوزه عمل هر آنچه که شارع مقدس به آن امر کرده است، حتماً به صلاح انسان و جامعه است. فیلسوف مسلمان، قبلاً از راه دلایل عقلی به حقانیت دین پی برده است و در موضوع‌شناسی، از دین بسیار کمک می‌گیرد و با دلایل عقلی سعی در تبیین محتوای دین می‌کند و این حکمت قدسی است. در بحث حکمت قدسی نظری، فلسفه اسلامی، پیشرفت‌های بسیار خوبی داشته است؛ اما متأسفانه در باب حکمت قدسی عملی، بعد از فارابی چندان موفق عمل نکرده‌ایم. بوعلی در پایان الهیات شفا، بسیار مختصر و گذرا علل برخی احکام را بیان کرده است.

• **انسان‌شناسی و نفس‌شناسی، مقدمه واجب تبیین احکام اسلامی**

مقدمه مهم بعدی از نظر استاد، مباحث انسان‌شناسی است. در واقع انسان‌شناسی پایه دستورات و قوانین است. اگر ما قائل شدیم، انسان فقط همین بدن مادی و طبیعت خاکی است، تمام قوانین و مقررات به‌همین بعد انسان توجه خواهد کرد؛ اما اگر بپذیریم، انسان علاوه بر بدن مادی، بعد غیرمادی نیز دارد، در قانون‌گذاری، به این بعد انسان نیز توجه خواهیم کرد.

در ادامه استاد دلایل فلسفی مغایرت نفس و بدن و تجرد نفس را مختصراً بیان کرد. در حیوان تجرد برخی وجود دارد؛ اما انسان تجرد عقلی دارد. اراده و شعور در حیوانات، تحت تأثیر غریزه و تخیل است؛ اما انسان علاوه بر این‌ها، حقیقت عقلی و تطقی نیز دارد. حیوان تنها بر اساس غضب، شهوت و میل انتخاب می‌کند؛ اما در انسان غضب و شهوت، باید تحت سیطره عقل و دین و فطرت قرار گیرد. با توجه به این تفاوت انسان با حیوانات، جمادات و گیاهان، کمال انسان معنا پیدا می‌کند. کمال هر شیء‌ای بهترین و کامل‌ترین حالت آن شیء است. پس کمال انسان بهترین و کامل‌ترین جهت حالت تطقی و عقلی اوست.

مقدمه بعدی که قبل از پرداختن به بحث فلسفه حجاب از نظر استاد مهم است، پرداختن به مباحث معاد است. انسان باید بداند که زندگی ابدی در پیش دارد و نفس او باقی و جاویدان است. در عالم آخرت هر آنچه که سازگار با نفس ناطقه و حقیقت انسانی او باشد، باعث لذت و نعمت و هر آنچه که مخالف جهت انسانی او باشد، باعث ألم، درد و رنج خواهد شد. پس تمام قوانین و مقررات باید با توجه به این ابد انسان وضع شود. به‌دلیل اینکه قوانین بشری، نمی‌تواند درباره ابد انسان نظری دهد، چندان کارآمد نخواهد بود.

از مقدمات دیگری که قبل از پرداختن به بحث فلسفه حجاب، مورد توجه و عنایت استاد بود، رابطه انسان با خداست؛ نوعی انسان‌شناسی معطوف به هستی‌شناسی. کمال انسان در حیطه نظر، علم به خداست و در حیطه عمل، بندگی و اطاعت از خداست. هر قانونی که انسان را در مسیر تقرب به خدا قرار

آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی

همواره باید از خدا

تثبیت نفوس را طلب کنیم

همواره باید از خداوند «تثبیت نفوس» را طلب کنیم تا در راه خیر خود ثابت‌قدم بمانیم. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی بنیاد بین‌المللی علوم وحبانی اسراء، حضرت آیت‌الله جوادی آملی، در دیدار جمعی از میهمانان خارجی از کشور بحرین که در بیت معظم‌له برگزار شد، بیان کردند: همواره باید از خداوند «تثبیت نفوس» را طلب کنیم تا در راه خیر خود ثابت‌قدم بمانیم.

معظم‌له گفتند: امام سجاد علیه‌السلام در یک بیانی می‌فرماید: «ویل لمن غلبت أحاده أعشاره!» وای بر کسی که یکی‌هایش بیش از ده‌تایی‌هایش باشد. با توجه به اینکه هر گناهی یک کیفر دارد؛ ولی هر یک کار خیر، ده تا ثواب دارد، امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید: این‌گونه نباید باشید که در روز قیامت این یکی‌های شما، بیش از آن ده‌تایی‌های شما باشد!

ایشان اظهار کردند: گاهی انسان یک کار خیر انجام می‌دهد و حداقل ۱۰ برابر پاداش می‌گیرد؛ «من جاء بالحسنه فله عشر أمثالها» این کار عادی است؛ اما یک‌وقت از همان اول کار خیری انجام می‌دهد و می‌گوید: این کار خیر را انجام می‌دهم، «قرية الى الله وثبتني لافهمهم». این کار خیر را برای تثبیت وضعیت خودم انجام می‌دهم که تا آخر نلغزم.

معظم‌له افزودند: خداوند در آیه ۲۵۶ سوره بقره می‌فرماید: «ومثل الذين ينفقون أموالهم ابتغاء مرضات الله وتثبيتاً من أنفسهم كمثل جنة بربوة أصابها وابل فأتت أكلها ضعفين فإن لم يصبها وابل فطل والله بما تعملون بصير»؛ در سوره مبارکه بقره آمده است که اگر کار خیر انجام می‌دهید، از همان اول باید قصدتان این باشد که ثابت‌قدم بمانید و تا آخر نلغزید؛ نه اینکه کار خیر انجام دهم تا بعداً خداوند چیزی به من عطا کند، نه! من این کار خیر را به‌منزله آبی بدانم که در ریشه خودم می‌ریزم تا ثابت‌قدم بمانم.



وی سال ۱۳۴۵ شمسی در روستای زوزن از توابع شهرستان خواف به دنیا آمد. او در خانواده‌ای متدین و معتقد به انقلاب اسلامی تربیت شد که نتیجه‌اش محمدرضایی شد که توانست، در فضای ناسالم دوران پهلوی خود را به حوزه علمیه برساند و سرانجام نیز، مدال پرافتخار شهادت را بر گردن بیاویزد.

او پس از دو سال خواندن دوره راهنمایی، آهنگ حوزه کرد. ابتدا به‌مدت چهار سال در مدرسه علمیه هراتی شهر تربت حیدریه اقامت نمود و آنگاه توفیق مجاورت بارگاه ملکوتی امام هشتم علیه‌السلام یار او شد و توانست، در مدرسه المهدی عليه‌السلام مشهد مقدس دروس حوزوی را تا معال‌الاصول ادامه دهد.

• **اخلاق شهید**

شهید به سحرخیزی و قرائت قرآن اهمیت می‌داد. فردی کم‌حرف بود و تا از او سؤالی نمی‌کردند، حرف نمی‌زد. به تحصیل و کسب دانش علاقه زیادی داشت. اخلاق نیکش، او را میان جوانان محبوب و اسوه کرده بود.

• **بصیرت انقلابی**

بصیرت و آگاهی شهید نسبت به فضای کشور در سطحی بود که آرامش جهره‌ها و حلاوت درس خواندن را با ناآرامی‌های مناطق جنگی عوض کرد. نوشته‌اند که او جوانان منطقه زندگی‌اش را به رفتن به جبهه‌ها تشویق می‌کرد و می‌گفت: «بروید جبهه‌ها را پر کنید که دنیا ارزشی ندارد.»

وی مدتی در لشکر ویژه شهدا و نیز گردان امام محمدباقر علیه‌السلام فعالیت داشت و پس از آشنایی با مسائل نظامی، عازم جبهه شد.

برادر ایشان نیز، از رزمندگان دفاع مقدس بود.

• **شهد شهادت**

عاقبت این روحانی مجاهد در سال ۱۳۶۵ شمسی، در عملیات کربلای ۲ در منطقه حاج‌عمران، با اصابت ترکش به سر و شکم به درجه شهادت رسید. پیکر پاک شهید پس از تشییع در زادگاهش، در میان مزار دو پسرخاله شهیدش دفن شد. شهید در زمان شهادت از نعمت پدر محروم بود و مادر و الاقوامش در روز تشییع بر سر تابوت شیرینی می‌ریخت.

• **فرازی از وصیت**

هدفم از جبهه رفتنم این است که راه حسین علیه‌السلام را ادامه دهم.

هم‌اکنون که مسلمانان [در جبهه‌ها] کشته می‌شوند، دیگر برای من مهم نیست که کشته شدم به چه صورت باشد.

غربی است. بسیاری از مسائل را باید از این زویه نگاه دید. تمدن غربی براساس سه اصل ماده‌گرایی، لذت‌گرایی مادی و انسان‌گرایی بنا شده است؛ البته انسان بریده‌شده از مبدا خلقت و انسان کاملاً مادی و خاکی. در این جامعه اخلاقی و فضیلت به حداقل خواهد رسید. صنعت پورن در این جوامع با همین مبانی فلسفی ایجاد شده است و در ادامه شیء‌انگاری زن است. بعد از انقلاب اسلامی یک تمدن جدیدی در دنیا آغاز می‌شود که بر مبنای کرامت انسانی و اخلاق و تمدن اسلامی است. تمدن اسلامی که بر اساس اخلاق، معنویت و زیست کریمانه است.

یکی از مهم‌ترین این پدیده‌ها در تضاد با تمدن غربی، پدیده زن انقلاب اسلامی است که شیء نیست و کرامت و حضور اجتماعی انسانی دارد. شهادت و برخی مظاهر دینی مانند اربعین و شب قدر هم، دقیقاً از جنس همین مظاهر تمدن نوین اسلامی است.

استاد یزدان‌پناه بعد از توضیح فلسفه حجاب، برگ برنده ما در مقابل فرهنگ

غرب را همین بحث حجاب و خانواده دانسته و بیان کردند: اگر حجاب حفظ

شود، تحکیم خانواده را به‌همراه خواهد داشت و اگر در جامعه حجاب کمزنگ شود، نتیجه آن فروپاشی خانواده خواهد بود. حجاب اولین سنگر حفظ خانواده

و جامعه است.

• **پی‌نوشت‌ها**

۱. «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ بَعْضُوا مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَبِحَقْلِفَتْهُمْ يُوجِهُهُمْ ذَلِكِ أَتَى لَهُمْ إِنْ أَلَّ اللَّهُ خَيْرٌ يَمَا يَنْتَقُونَ»؛ ۳۴ «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ بَعْضُنَ مِنْ أَنْفُسِهِنَّ وَبِحَقْلِفَتْهُنَّ يُوجِهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى خُجُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ أَوْ إِثْمَانِهِنَّ أَوْ خِلَائِقِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرَةِ مِنْ الزَّجَالِ أَوْ الْوَلَدَ الَّذِينَ لَمْ يَنْظُرُوا عَلَى عُورَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ ۳۴؛

۲. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا كَلِمَاتٌ يُسِّرْنَ وَتُنْفِئُكَ مِنَ الْعُلَاهِ مِنَ الَّذِينَ عَدُوٌّ لَكَ أَكْثَرُ مِنْ أَلْفٍ مِنْهُنَّ»؛

۳. رجوع کنید به الهیات شفا-ابن سینا-بخش علل‌الاحکام؛

۴. رجوع کنید به کتاب نه‌ایه‌الحکمه علامه طباطبایی؛

۵. رجوع کنید به کتاب تفاوت‌های جنسی را جدی بگیرید.